



استادان پیشکسوت منابع طبیعی دانشگاه تهران: سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور باید مستقل باشد.

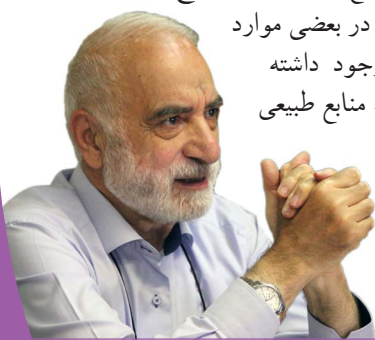
در راستای اهداف مجله در بخش مصاحبه‌های چالشی، با دکتر محمدرضا مروی مهاجر و دکتر تقی شامخی، دو استاد فرهیخته و پیشکسوت منابع طبیعی از دانشگاه تهران، گفت‌وگویی انجام داده و نظر آنها را درباره وضعیت فعلی منابع طبیعی، شرایط حاکم بر اکوسیستم‌های جنگلی ایران و نحوه مدیریت بر جنگل‌ها جویا شدیم.

امید است این گفت‌وگو، دیدگاه‌های متفاوت متخصصان و صاحب‌نظران منابع طبیعی را به اطلاع خوانندگان عزیز برساند. ذکر این نکته ضروری است که اگرچه ممکن است در بعضی موارد اختلاف نظرهایی در مورد مدیریت جنگل‌ها وجود داشته باشد، ولی هر دو نظر در نهایت بر اهمیت حفظ منابع طبیعی و جنگل‌ها تأکید دارند.

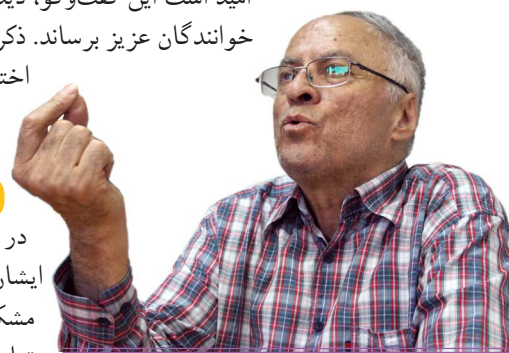
بهره‌برداری از جنگل فقط برداشت چوب نیست

در گفت‌وگو با دکتر محمدرضا مروی مهاجر، ایشان به مسایل مختلفی اشاره کردند. وجود مشکلات مدیریتی در حوزه جنگل‌های کشور، در تعارض بودن وظایف سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور با وظایف وزارت جهاد کشاورزی

و نیاز به جداسازی پیکره این سازمان از این وزارتخانه، لزوم پیگیری اجرای طرح استراحت جنگل، توجه به جنبه‌های اکوتوریستی جنگل‌ها و تغییر نگرش روستاییان و جنگل‌نشینان از بهره‌برداری صرف به حفاظت از جنگل، بالا بودن تعداد دانشکده‌های منابع طبیعی و جنگل و ضرورت جمع‌آوری آنها و غیره از جمله تأکیدات این استاد فرهیخته دانشگاه تهران است. مشروح این گفت‌وگو در پی می‌آید.



دکتر شامخی



دکتر مهاجر

● طبیعت ایران: نظر شما درباره وضعیت فعلی منابع طبیعی کشور به‌ویژه جنگل‌ها چیست؟

■ دکتر مهاجر: کشور ما از نظر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی روی نواری از کره زمین قرار گرفته است که عمدتاً باید منابع طبیعی آن خیلی ضعیف باشد و مناطق کویری، بیابانی و استپی را شامل شود. خوشبختانه به واسطه وجود دو رشته کوه مهم البرز در شمال و زاگرس در غرب، جنوب شرق کشور و فلات مرکزی ایران در موقعیتی قرار گرفته که پوشش گیاهی آن با نواحی اطراف تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد. به‌همین دلیل منابع طبیعی ما غنی‌تر است و با منابع طبیعی افغانستان، ترکمنستان، برخی نقاط جنوب ارمنستان، شرق ترکیه، عراق و سوریه تفاوت اساسی دارد. تنوع اقلیمی و پستی و بلندی موجود در کشور ما باعث ایجاد اکوسیستم‌ها یا زیست‌بوم‌های متنوع و مختلفی شده که پیدایش راش در شمال ایران و حرا در جنوب کشور از جمله نتایج آن است. این در حالی است که در نیمکره شمالی و قاره اروپا فاصله بالاترین نقطه‌ای که در آن راش وجود دارد تا پایین‌ترین نقطه‌ای که حرا دارد، فاصله‌ای میان اروپا و آفریقا است. از نظر جغرافیایی گیاهی روی کره زمین چهار نوار اساسی پوشش جنگلی تروپیکال، پهن برگ، سوزنی برگ و مدیترانه‌ای وجود دارد که از آن به غیر از جنگل‌های سوزنی برگ سرد شمالی یا بوره‌آل، ۳ نوار دیگر در ایران وجود دارد. در واقع ما در ایران اکوسیستم‌های جنگلی پهن برگ معتدله، استپی، خشک و نیمه خشک و گرمسیری و ماندابی را داریم. ساختار منابع طبیعی ما به واسطه فرهنگ و تاریخ طولانی مدت این سرزمین دستخوش تغییرات عمده‌ای در طول تاریخ شده است. در سده‌های مختلف روند نزولی و تخریب آن را در عرصه منابع طبیعی کشور که شامل جنگل‌ها، مراتع، مناطق استپی و بیابانی و نیمه بیابانی است، شاهد بوده‌ایم. براساس برآوردهای زمان هخامنشیان (حدود ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش) جنگل‌های ایران مساحتی معادل ۳۰ میلیون هکتار داشته که ۱۵ میلیون هکتار آن معادل جنگل‌های زاگرس، ۵ میلیون هکتار جنگل‌های شمال، ۵ میلیون هکتار جنگل‌های استپی و ۵ میلیون هکتار نیز جنگل‌های گرمسیری بوده است. متأسفانه این جنگل‌ها در طول تاریخ از بین رفته است. دقیق‌ترین آمار مربوط به زمان مرحوم ساعی است که برای اولین بار جنگل‌های کشور را معادل ۱۸ میلیون هکتار برآورد کرد که این رقم امروزه با توجه به نوع تاج پوشش به ۱۲ تا ۱۴ میلیون هکتار رسیده است. در واقع ما نسبت به گذشته بسیاری از جنگل‌های خود را از دست داده‌ایم ولی همین مقدار کم نیز از تنوع و منحصربه‌فردی خاصی برخوردار است که روی نیمکره شمالی تقریباً تشابه زیادی ندارد.

با توجه به اهمیتی که منابع طبیعی و زیست‌بوم‌ها در کشور ما داشته و دارند و در آینده نیز اهمیت بیشتری خواهند یافت متأسفانه ساختار مناسبی برای مدیریت این اکوسیستم‌ها و زیست‌بوم‌ها نداریم. منابع طبیعی غنی موجود نیازمند ساختار تشکیلاتی منسجم و قوی برای مدیریت این عرصه‌ها، حفاظت و بهره‌برداری از آنها است.

در سال‌های اخیر

(۱۰ تا ۲۰ سال گذشته) اطلاعات

زیست محیطی جامعه ما افزایش یافته

و تقاضا برای مطالبات محیط‌زیستی بیشتر

شده است؛ از طرفی با توجه به اهمیت منابع

طبیعی و محیط‌زیست کشور دارا بودن ساختار

تشکیلات دولتی ضعیف نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای

جامعه و محیط‌زیست باشد و در این راستا باید به‌دنبال

چاره‌ای برای آن باشیم.

● طبیعت ایران: منظور شما از ضعف ساختار تشکیلاتی و دستگاه

متولی مدیریت منابع طبیعی چیست؟

■ دکتر مهاجر: منابع طبیعی شامل زیست‌بوم‌ها یا اکوسیستم‌های طبیعی

یک مملکت است و حفظ، مدیریت و حراست از آنها باعث حفاظت از

آب و خاک و مرز و بوم این کشور می‌شود. برای این مدیریت، نیاز به

یک ساختار تشکیلاتی نسبتاً قوی داریم که بیشتر تمرکز آن روی مدیریت

حفاظت باشد. با توجه به اینکه مسئله مهم در وزارت جهاد کشاورزی

تولید است نه حفاظت بنابراین سازمان جنگل‌ها به‌عنوان متولی حفاظت

از عرصه‌های منابع طبیعی کشور، نمی‌تواند زیرمجموعه وزارت جهاد

کشاورزی باشد. معتقدم که هر چه زودتر باید ساختار تشکیلاتی سازمان

جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور از پیکره وزارت جهاد کشاورزی جدا

شده و سازمانی منسجم و قوی برای مدیریت منابع طبیعی تشکیل شود. در

این مورد نقطه نظرات مختلفی وجود دارد؛ برخی می‌گویند باید وزارتخانه

منابع طبیعی یا وزارتخانه منابع طبیعی و محیط‌زیست تشکیل شود. برخی

دیگر نیز معتقدند سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری به نام سازمان منابع

طبیعی و همچون سازمان محیط‌زیست زیر نظر ریاست جمهوری متولی

حفاظت و مدیریت باشد. با توجه به اینکه وظایف سازمان حفاظت از

محیط‌زیست بیشتر نظارتی بوده و قسمت مربوط به حیات وحش، اجرایی

است، اگر قرار باشد محیط‌زیست و منابع طبیعی ادغام شوند قسمت

شکاربانی باید از پیکره محیط‌زیست جدا شود. در واقع سازمان جنگل‌ها

تبدیل به وزارت منابع طبیعی شده و سازمان نظارتی محیط‌زیست

کماکان زیر نظر ریاست جمهوری باشد. در این حالت مقاومت از طرف

محیط‌زیست کمتر می‌شود. وزارت منابع طبیعی باید همراه با حیات

وحش باشد چون از نظر مدیریت زیست‌بوم‌ها نمی‌توانیم فون و فلور

را تفکیک کنیم تا سازمانی مانند جنگل‌ها مسئول فلور و سازمان

محیط‌زیست مسئول فون باشد. در واقع نمی‌توان دو محیط‌بان

در جنگل داشت که یکی مسئول حفاظت از حیاط وحش و

یکی مسئول حفاظت از راش و بلوط باشد. به‌نظر من ایجاد

تشکیلات جدید سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری

اولویت دوم را دارد و اولویت اول آن استقلال

این سازمان است؛ یعنی جداسازی پیکره

این سازمان از پیکره وزارت جهاد

کشاورزی.



● **طبیعت ایران:** به بحث مهم حفاظت اشاره کردید. به نظر شما اگر بخواهیم بهره‌برداری از منابع طبیعی یا جنگل‌ها را متوقف کنیم و یک رویکرد کاملاً حفاظتی داشته باشیم چه راهکاری را می‌توان در پیش گرفت؟ با توجه به اینکه این سؤال به نوعی به موضوع استراحت جنگل مربوط می‌شود، نظر شما در این باره چیست؟

■ **دکتر مهاجر:** واژه استراحت جنگل را برای اولین بار دکتر جزیره‌ای در سال ۱۳۸۴ در همایش جنگل‌ها در کرج مطرح و اشاره کردند که وضعیت منابع طبیعی و جنگل‌های ما آنقدر خراب است که باید هرچه سریعتر به آنها استراحت داد. به دنبال این تفکر بنده ۳ سال پیش در مقاله‌ای در ساری برای اولین بار عنوان کردم که موافق استراحت جنگل هستیم و هدف من ایجاد برنامه موقت ۱۰ ساله است تا در این مدت به ۳ سؤال اساسی پاسخ داده شود: ۱- چه مقدار جنگل داریم؟ ۲- به دنبال چه چیزی از این جنگل‌ها هستیم و برنامه ما برای آینده آنها چیست؟ و ۳- چگونه باید به هدف خود برسیم؟



با توجه به اهمیت جنگل‌های شمال و هیرکانی، مقایسه این جنگل‌ها با جنگل‌های یه‌ن برگ اروپایی منطقی نیست. در واقع نمی‌توان الگوی بهره‌برداری از چوب را همانند اروپایی‌ها در جنگل‌های شمال پیاده کرد و این جنگل‌ها خیلی با ارزش‌تر از آن هستند که تنها از آنها چوب برداشت شود. من موافق بهره‌برداری از جنگل‌ها هستم، بودم و خواهم بود ولی بهره‌برداری همیشه مساوی با برداشت چوب نیست و این اصطلاح غلطی است که در زبان ما رایج شده و بهره‌برداری از جنگل را با برداشت چوب برابر می‌دانند. بهره‌برداری از اکسیژن جنگل، بهره‌برداری از خاک جنگل، بهره‌برداری از گیاهان دارویی جنگل، بهره‌برداری از منظر طبیعی جنگل و اکوتوریسم و... همگی بهره‌برداری محسوب می‌شوند. در اینجا بهره‌برداری از جنگل برداشت چوب نیست و اگر قرار است برداشت چوبی هم در جنگل‌های کشور انجام شود باید در

قسمت‌های مشخص و محدودی که از نظر شرایط توپوگرافی، تنوع زیستی، خشک‌دارها و درختان کهنسال شرایط برداشت چوب را داشته باشند، انجام شود. امروزه گفته می‌شود در جنگل‌هایی که شیب آنها زیر ۳۰ درصد است بهره‌برداری می‌تواند به واسطه تردد ماشین صورت بگیرد ولی این مسئله از دیدگاه اکولوژیکی غلط است. در منطقه‌ای ممکن است شیب کمتر از ۲۰ درصد باشد ولی به واسطه وجود گونه‌های نادر یا کهنسال نباید به این جنگل دست زد و باید مورد حفاظت قرار گیرد. استراحت جنگل‌ها به معنای رها کردن آنها نیست. در واقع در زمان استراحت جنگل باید برای آن طرح تعریف کرد؛ این طرح می‌تواند جنگل‌داری، حفاظت، مدیریت یا پایداری جنگل باشد که بر اساس ویژگی‌ها و ظرفیت آن زیست‌بوم یا اکوسیستم می‌توان مشخص کرد که برداشت صورت گیرد یا خیر.

● **طبیعت ایران:** همیشه برای بهبود کمی و کیفی در جنگل دخالت‌های پرورشی صورت می‌گیرد و اگر برداشت چوب را کنار بگذاریم نباید از بهبود کیفیت جنگل غافل شویم. از طرفی ماده ۶ مصوبه ۱۰ ماده‌ای هیئت محترم دولت بهره‌برداری را ممنوع اعلام می‌کند و در عوض برداشت درختان بادافتاده، شکسته، خشک و آفت‌زده را مجاز می‌داند. حال دو سؤال مطرح می‌شود: اگر عملیات پرورشی و کارهای مرتبط با آن در جنگل انجام نشود سرنوشت جنگل چه می‌شود؟ همچنین اگر ما به نوعی بهره‌برداری را محدود کنیم وضعیت طرح‌های جنگل‌داری، مجریان طرح‌ها، شرکت‌ها و صنایع وابسته به چوب و افراد شاغل وابسته به صنایع جنگل چگونه خواهد شد؟

■ **دکتر مهاجر:** پرورش جنگل علم تأییدشده جنگل‌های انسان‌ساخت و مصنوعی است که توسط اروپاییان معرفی شده و مختص جنگل‌های طبیعی و دست‌نخورده نیست. اروپایی‌ها روی پرورش جنگل بکر کار نکرده‌اند و مدارک مستندی در این زمینه ندارند. در تمامی این مراحل هدف این است که جنگل به یک سن نهایی برسد و در آن سن قطع شود. با مصوبه هیئت دولت مبنی بر اینکه پس از ۳ سال توقف، بهره‌برداری صورت بگیرد و در این ۳ سال درختان بادافتاده، شکسته و آفت‌زده قطع شود در واقع دولت صورت مسئله را پاک کرده که این امر ناشی از فقدان تخصص دولتمردان و نمایندگان مجلس است. طی مصوبه‌ای مقرر شده بود که درختان مسن نیز برداشت شوند در حالی که درختان مسن با ارزش‌ترین واحدهای اکولوژیک یک اکوسیستم هستند. خوشبختانه طی همکاری و مقاومت تعدادی از دوستان این موضوع نهایی نشد و توسط شورای نگهبان حذف شد. برای نمونه درختان لابی درختانی هستند با ارتفاع ۳۵ تا ۴۰ متر و تاج پوششی معادل ۵۰ تا ۶۰ متر که این تاج پوششی تا حد زیادی جلوی باران را می‌گیرد؛ این در حالی است که نبود این درختان و قطع آنها می‌تواند باعث سیل‌های بزرگی در منطقه شود.

درختان خشک‌دار و بادافتاده نیز برای تنوع زیستی، فون و فلور و پایداری جنگل فوق‌العاده با ارزش هستند. بقای اکوسیستم‌های طبیعی ما در جنگل‌های شمال و جنگل‌های کوهستانی تا حد زیادی وابسته به درختان آسیب‌دیده و سرشکسته‌ای است که زیست‌بوم پرندگان و

جانوران هستند. پروفیسور آمر در مونیخ در قالب یک بررسی نشان داد که ۴۲ درصد قارچ‌ها و حشراتی که روی درختان خشک‌دار زیست دارند برای جنگل مضر بوده و ۴۶ درصد مفید هستند. این بررسی نشان می‌دهد که میزان حشرات مفید برای جنگل ۴ درصد بیشتر است و بقیه هم خنثی هستند.

همچنین من نمی‌خواهم که مجریان طرح‌های جنگلداری خسارت ببینند، چراکه آنها بنگاه‌های اقتصادی محسوب می‌شوند که طبق قرارداد حق بهره‌برداری از این جنگل‌ها را دارند. برخلاف تصور خصوصی‌سازی که امروزه در اقتصاد وجود دارد و من نیز با آن موافقم اما در عرصه منابع طبیعی، حفاظت نباید خصوصی شود و دولت باید جایگاه حاکمیتی را در قبال جنگل‌ها داشته باشد. متأسفانه اصول مدیریت جنگل‌های شمال از ابتدا غلط بوده که بهره‌برداری توسط مجری خصوصی و دولتی صورت گیرد و سازمان جنگل‌ها باید مجری طرح‌ها باشد. در واقع جنگل‌ها در ایران باید مانند اروپا تحت حاکمیت سازمان‌های مربوطه باشند و مانند پلیس از آنها محافظت کنند.

● طبیعت ایران: شما در صحبت‌های خود به علم پرورش جنگل اشاره کردید که مناسب جنگل‌های انسان‌ساخت است. با توجه به تفکر و فلسفه جنگل‌شناسی نزدیک به طبیعت یا همگام با طبیعت، چه راهکاری را برای جنگل‌های بکر و قدیمی پیشنهاد می‌کنید؟

■ دکتر مهاجر: در ابتدا در ۱۰ سال اولیه‌ای که به‌عنوان استراحت جنگل معرفی کردیم باید یک آمایش جنگل داشته باشیم و در آن مشخص کنیم چه نوع جنگلی داریم و برای چه کاری از آن استفاده می‌کنیم. متخصصان ما در رده‌های مختلف با هم اختلافات زیادی دارند. برای مثال در زمینه جنگل بکر بعضی‌ها معتقدند ما جنگل بکر نداریم و بعضی می‌گویند از چنین جنگلی برخورداریم. من معتقدم ما جنگل بکر داریم و درصد کمی جنگل بکر روی شیب‌های تند، اراضی بسیار سخت‌گذر و دور افتاده وجود دارد. حتی در قسمت‌های بالایی جنگل دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران (خیرود) هنوز قسمت‌هایی وجود دارد که بکر است و اگر روزی انسانی هم از آن عبور کرده باشد باز هم بکر بودن آن از بین نرفته است. بنده در جلسه‌ای که اخیراً در سازمان جنگل‌ها برگزار شد و طی آخرین گزارشی که به هیئت آلمانی ارائه داده‌ام ۱۰ درصد جنگل‌های هیرکانی را بکر معرفی کرده‌ام. اگر سازمان یونسکو به فکر حفاظت از این جنگل‌ها است باید در این زمینه اقدام کند. یکی از مهندسان جنگل ناحیه ساری که فعالیت‌های میدانی زیادی را در جنگل‌های شمال انجام داده جنگل‌های بکر شمال را معادل ۱۵ درصد بیان کرده است. جنگل بکر، منطقه مرکزی و قلب جنگل‌های ما محسوب می‌شود که نباید اقدامی در آن صورت گیرد و باید به شکل خاصی حفاظت شود به طوری که حتی ورود انسان‌ها به آنجا نیز ممنوع باشد تا خاک فشرده نشود و دقیق‌ترین ضوابط حفاظت در آن محدوده ۱۰ درصدی اعمال شود. از طرفی ما در بسیاری از نقاط جنگل‌هایی را داریم که برای پارک‌های ملی مناسب هستند؛ مانند پارک ملی گلستان. با وجود سوءمدیریت‌های صورت گرفته در پارک ملی گلستان، اینجا هنوز در بسیاری از نقاط جهان مانند آلمان یک پارک شناخته شده است

(ممکن

است جنگل‌های هیرکانی را شناسند ولی پارک ملی گلستان را می‌شناسند).

ساخت پارک‌های ملی مشابه می‌تواند در گیلان و مازندران نیز انجام شود تا بتواند سرچشمه درآمدهای ما باشند. در بسیاری از زمینه‌های جنگل مانند مرکز اطلاعات، پرورشورها، هتل‌ها، خوابگاه‌ها و دانشجویان، کشورهای اروپایی هنوز ۲۰، ۳۰ سال از ما جلوتر هستند و این در حالی است که ما با توجه به داشتن غنای گونه‌های جنگلی می‌توانیم پارک‌های ملی، حوضه‌های آبخیز دست‌نخورده و جنگل‌های احیایی به‌عنوان جایگزین جنگل‌های مخروبه را داشته باشیم. اگر هر یک از اینها سهمی از جنگل داشته باشند دیگر برای مدیریت بهره‌برداری سطح محدودی باقی می‌ماند.

● طبیعت ایران: درجه اهمیت مسایل اقتصادی، اجتماعی در این بین چگونه است. با توجه به مسایلی که ما الان در جنگل‌های شمال داریم از قبیل روستاها، جنگل‌نشینان و دام در جنگل، این مسایل چگونه باید در این ۱۰ سال مدیریت شوند؟

■ دکتر مهاجر: به‌عنوان یک جنگل‌شناس معتقدم که روستاییان می‌توانند بهترین حافظان جنگل‌ها باشند و باید از ظرفیت افراد روستایی برای حفاظت از جنگل‌ها استفاده شود. فرد روستایی که در حاشیه جنگل زندگی می‌کند باید درک کند که حفاظت از جنگل باعث ارتقای معیشتی او می‌شود. اگر یک فرد روستایی فقیر که چوب خود را از جنگل تأمین می‌کند ببیند در کنار جنگل او اکوتوریسم ایجاد شده بعد از مدتی متوجه می‌شود که افراد برای استراحت به او مراجعه می‌کنند و این منبع درآمدی برای او خواهد شد. چرای دام در جنگل باید حذف شود ولی بیلاق و قشلاق را نمی‌توانیم از دامداران بگیریم اما مسیر داخل جنگل باید از دامدار گرفته شود چراکه با این روش هم دامدار حفظ می‌شود و هم جنگل.

آگروفارستری در داخل جنگل‌های شمال ممنوع است. آگروفارستری متعلق به کشورهایی مانند هندوستان، تایلند و مناطق دارای درخت‌زار است. حضور دامداران در داخل عرصه‌های جنگلی کاملاً غلط است. در واقع وجود دام در شمال مساوی است با خورده شدن نهال توسط دام در پایین جنگل، برداشت از جنگل توسط جنگل‌نشینان و استفاده بهره‌برداران از بالای جنگل. به این ترتیب جنگل از بالا و پایین تهی می‌شود.

در منحنی پراکنش ترسیم شده توسط تعدادی از

دانشجویان بنده که در برخی نقاط پاتوم و نمخانه

جنگل آموزشی دانشگاه تهران صورت گرفته

تعداد درختان در قسمت‌های ابتدا و انتها

کم شده و پایین آمده که این مسئله

زنگ خطری برای ما



است؛ چون درختان قطور در حال از بین رفتن بوده و درختان نونهال هم جایگزین نمی‌شوند که این به معنی توسعه ناپایدار است.

● **طبیعت ایران:** یکی از مشکلات عمده‌ای که با آن مواجه هستیم این است که دانش دانشجویان منابع طبیعی یا جنگل و اطلاعات و نتایج طرح‌های تحقیقاتی که می‌تواند بسیار کاربردی باشد در اجرا به کار گرفته نمی‌شود. به نوعی آموزش و پژوهش و اجرا خوب به هم وصل نشده است. به نظر شما مشکل در کجاست؟

■ **دکتر مهاجر:** سؤال اساسی و مهمی است و یکی از موضوعات بزرگ و با اهمیت کشور ما محسوب می‌شود. ما ایرانی‌ها هر یک برای خودمان یک خان هستیم! سازمان جنگل‌ها برای خود یک خان است، مؤسسه تحقیقات برای خود یک خان و دانشگاه‌ها هم برای خود یک خان و این خان‌ها حاضر نیستند با هم همکاری لازم را داشته باشند. البته این مسئله نسبت به گذشته خیلی بهتر شده است. سازمان جنگل‌ها در سال‌های اخیر از نظر پرسنل فنی ضعیف شده، مؤسسه تحقیقات دارای پرسنل فنی قوی شده و دانشگاه‌های ما هم در یک سطح ثابت مانده‌اند. ولی این همکاری‌ها باید در آینده نزدیکتر باشد؛ دانشگاه‌ها باید طوری دانشجویان را تربیت کنند که یا مدرس شوند یا محقق و یا مجری. کسانی که توانایی تحقیقات دارند جذب مؤسسه شوند و تحقیقاتی را انجام دهند که در کنار ارتقای خود محقق به درد مملکت نیز بخورد.

جامعه دانشگاهی و محقق کشور باید بدانند که مقالات علمی پژوهشی و ISI مشکل مملکت ما را حل نمی‌کند و مشکلات ما بزرگتر از این مقالات است.

باید همکاری بیشتری بین این سه ارگان صورت گیرد و داشتن اختلاف بین آنها به نفع هیچ کدام از ارگان‌های مرتبط نیست. اگر قرار باشد آمار و ارقامی در زمینه جنگل یا مسایل منابع طبیعی بیان شود باید این اطلاعات هم صدا و همگن باشند. متأسفانه در ۲۰ سال گذشته در دانشگاه‌ها تنها به دنبال آموزش کمی بوده‌ایم و آموزش کیفی را دنبال

نکرده‌ایم. امروزه شاهد این مسئله هستیم که در دانشگاه‌ها تخصص‌گرایی و گرایش‌ها ریزتر شده و این به نفع منابع طبیعی و جنگل‌های ما نیست. مهندسان جنگل ما باید تفکر جامع داشته و جامع‌نگر باشند. من بارها از مسئولان خواسته‌ام که نظام آموزشی را تغییر دهند و تخصص‌گرایی را در امر منابع طبیعی و جنگل حذف کنند. تخصص یک جنگلبان در نبود تخصص اوست و یک جنگلبان خوب فردی است که وقتی داخل جنگل می‌رود از همه چیز اطلاع داشته باشد. جنگلبانی که اعلام می‌کند من تنها خاک‌شناسی جنگل می‌دانم، جنگلبان نیست. بهترین الگوی ما درخت است. درخت ابتدا یک تنه است و تنه وقتی بالا می‌رود شاخه‌ها ایجاد می‌شوند. در این زمینه می‌توان از رشته‌های پزشکی یاد گرفت که افراد در ابتدا ۷ سال عمومی می‌خوانند تا با فیزیولوژی بدن آشنا شوند بعد سراغ تخصص می‌روند. این کار باید در منابع طبیعی نیز پیاده شود. امید است در آینده تجمع این رشته‌ها توسط وزارت علوم صورت گیرد. در نهایت می‌توان گفت که ما هم در زمینه تحقیقات، دانشگاه و سازمان جنگل‌ها مشکل داریم.

● **طبیعت ایران:** اگر می‌خواستید به جای ما از خود سؤالی بکنید، به چه موضوعی اشاره می‌کردید؟

■ **دکتر مهاجر:** به نظر من مهم است که بدانیم آیا جامعه غیر دانشگاهی ما با جامعه دانشگاهی که در زمینه جنگل و منابع طبیعی تخصص دارند هم‌فکر و هم‌نوا هستند یا خیر؟

من معتقدم خیر. چون جامعه امروز ما از نظر محیط‌زیست و منابع طبیعی حساس شده اما دانشگاه‌های ما در تخصص خود غرق شده‌اند و با جامعه همکاری ندارند. در واقع بین تفکر دانشگاهی و تفکر جامعه فاصله افتاده است. ما باید به دنبال این باشیم که چه داریم، چه می‌خواهیم و چگونه به آن می‌رسیم. باید قدری خودباوری خود را قوی کنیم و الگوبرداری بهتری انجام دهیم. در بسیاری از موارد تحقیقات ما در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی به درد کشورهای پیشرفته دنیا می‌خورد اما به درد ما نمی‌خورد!

موضوع دیگر این است که ما چه مقدار جنگل و چه تعداد دانشکده داریم؟ آیا این تعداد

دانشکده برای این مقدار جنگل لازم است؟ ما در کشور ۱۲ دانشگاه دولتی در زمینه جنگل داریم و این در حالی است که با این سطح جنگل در کشور فقط به ۳ دانشکده نیاز داریم. باید در آینده جمعیتی در دانشکده‌های منابع طبیعی و جنگل ما صورت بگیرد؛ یکی در کرج، یکی در شمال، یکی در زاگرس و یکی هم در جنوب باشد و اگر این تجمیع صورت نگیرد به فارغ التحصیلان این دانشکده‌ها ظلم کرده‌ایم و این یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های دولت دوازدهم است. فرانسه با وجود داشتن چندین برابر جنگل ما فقط یک دانشکده در نانسی دارد. سوئیس از ۱۵۰ سال قبل با سطحی کمتر از جنگل‌های ما تنها یک دانشکده دارد. آلمان هم با وجود داشتن ۱۰ میلیون هکتار جنگل خوب پرورشی ۴ دانشکده دارد.

در زمینه دانش افراد نیز باید اذعان داشت که امروزه سطح معلومات افراد بالا رفته و سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه نقش به‌سزایی دارند.

مخالف استراحت جنگل هستیم

دکتر تقی شامخی، از اساتید پیشکسوت منابع طبیعی نیز همانند دکتر مروی مهاجر با انتقاد از وضعیت فعلی جنگل‌ها و مراتع کشور، ریشه مشکلات این حوزه را در مسایل انسانی و مدیریتی می‌داند. لزوم تبدیل سازمان محیط‌زیست به یک وزارتخانه، مخالفت با طرح استراحت جنگل، ضرورت توجه به مدیریت مشارکتی در جنگل‌های شمال و لزوم مشارکت و ارتباط با جهان به‌ویژه در زمینه جنگل و منابع طبیعی از جمله مواردی است که دکتر شامخی بر آنها تأکید دارد.

● **طبیعت ایران:** نظر شما در مورد وضعیت فعلی منابع طبیعی به‌ویژه جنگل‌ها چیست؟

■ **دکتر شامخی:** به‌طور کلی می‌توان گفت منابع طبیعی ما (جنگل‌ها و مراتع) وضعیت خوبی ندارند و ریشه این موضوع به مسایل انسانی و بحث‌های مدیریتی برمی‌گردد. در مورد اثرات منفی عوامل طبیعی مانند تغییرات اقلیمی و گرم شدن کره زمین نیز که در دو دهه گذشته اتفاق افتاده و نتایج منفی آن بر منابع طبیعی، مراجع مشخصی وجود ندارد. در برخی منابع گفته شده که

سایتهای منابع طبیعی توان تجدید حیات خود را از دست داده‌اند؛ در حالی که حتی در این زمینه نیز منبعی وجود ندارد. ولی در زمینه اثرات انسانی روی منابع طبیعی نشانه‌های زیادی وجود دارد که یکی از مهمترین آنها نبود مدیریت صحیح است. برای مثال در مورد مراتع هیچگاه بر اساس ظرفیت و توان مراتع، چرای دام صورت نمی‌گیرد و هرچه قیمت علوفه بالا می‌رود تجاوز به مراتع بیشتر می‌شود. در مورد جنگل‌ها نیز در کل کشور شاهد فشارهای بیش از حد چه از نظر ورود دام و چه از نظر بهره‌برداری صنعتی و سوخت بوده‌ایم.

در صحبت از توسعه بیشتر آثار منفی آن را در زمینه منابع طبیعی شاهد بوده‌ایم. برای مثال جاده‌ها در کشورهای توسعه یافته امری برای احیای جنگل‌ها هستند در حالی که در کشور ما اثر منفی روی طبیعت داشته‌اند.

امروزه با مبحث افزایش جمعیت و امر توسعه باید مدیریت‌های خود را تغییر دهیم ولی متأسفانه سازمان جنگل‌ها در این زمینه توانمند نبوده است. مدیریت آب نیز در کشور ما وضعیت مطلوبی را ندارد و با کاهش سطح سفره‌های زیرزمینی و از بین رفتن تالاب‌ها اثرات منفی آن را در جنگل‌ها و مراتع شاهد بوده‌ایم. در این راستا بسیاری از گونه‌های گیاهی از بین رفته‌اند. هر چند در این زمینه رفرنس مشخصی وجود ندارد ولی با از بین رفتن نظم چرخه‌های منابع طبیعی شاهد این اثرات منفی بوده‌ایم. در زمینه استفاده از آب‌های زیر زمینی ۴۰ درصد آن را برای استفاده و ۶۰ درصد را برای طبیعت در نظر می‌گیرند در حالی که در زمان بهره‌برداری از ۱۰۰ درصد آن استفاده می‌شود. این مسئله آثار منفی در طبیعت به دنبال خواهد داشت.

امروزه گفته می‌شود طبیعت توان بازسازی خود را از دست داده است. البته من هنوز به این نتیجه نرسیده‌ام. یکی از اقدامات مثبت دولت در سال‌های اخیر، گازرسانی به بسیاری از مناطق بوده که بر اثر آن فشار وارده بر جنگل‌های مرتبط تا حدی کاهش یافته است. البته باید دید آیا این اثر به حدی است که عرصه‌های منابع طبیعی بتوانند نفس بکشند؟ یکی از اقدامات اولیه برای مدیریت

بهرتر این جنگل‌ها می‌تواند گازرسانی به این مناطق و حتی دامداری‌ها باشد.

● **طبیعت ایران:** نظر شما در مورد بحث‌های اقتصادی-اجتماعی جنگل به‌ویژه حضور دام در جنگل چیست؟ در مورد بیلاق و قشلاق و بحث کشت زیراشکوب هم چه نظری دارید؟

■ **دکتر شامخی:** در این زمینه دو مبحث انسان و مدیریت، مهم هستند. در سال ۱۳۳۵ جمعیت کشور حدود ۲۰ میلیون نفر بود. طی ۶۰ سال جمعیت ۴ برابر شده و این افزایش جمعیت با عناصری از توسعه نیز همراه است. در واقع باید متناسب با تغییر توسعه روش‌های گذشته را کنار گذاشت و با مدیریت جدید جمعیت جدید را سازماندهی کرد ولی متأسفانه هنوز روش‌های مدیریت قبلی روی جمعیت کنونی اعمال می‌شود.

در مورد بهره‌برداری دام از جنگل و حضور دامداران نیز توجه به این نکته ضروری است که بهره‌برداری از طبیعت باید با توجه به نیاز آن انجام شود. اگر قرار باشد در جنگل بهره‌برداری صنعتی وجود داشته باشد بنابراین ورود دام باید ممنوع باشد. از زمان مرحوم ساعی گفته شده که اگر قرار باشد در این جنگل‌ها بهره‌برداری خوب صورت گیرد باید بهره‌برداری دامی قطع شود و در صورت وجود هر دو، منابع ما از بین می‌روند. این بحث در جنگل‌های شمال و زاگرس نیز وجود دارد. البته هنوز در زاگرس به این نتیجه نرسیده‌ایم که ساکنان زاگرس نباید هیچ‌گونه دخالتی در آن داشته باشند. جنگل‌های زاگرس می‌توانند عرصه‌های وسیعی برای محصولات فرعی و ذخیره آب باشند. به‌طور کلی در پاسخ به سؤال شما باید گفت که با توجه به تأمین نیازها باید اولویت‌بندی شود و در تمام این موارد توان اکولوژیک منطقه پایه تصمیم‌گیری است.

● **طبیعت ایران:** اظهار داشتید که سازمان جنگل‌ها نتوانسته در مدیریت منابع طبیعی موفق باشد. نظر شما در خصوص ساختار فعلی سازمان جنگل‌ها، دلایل عدم موفقیت سازمان و ایده‌ها برای سازمان با سازمان محیط‌زیست چیست؟

■ **دکتر شامخی:** سازمان جنگل‌ها مسئولیت سنگینی را طی سال‌ها به عهده داشته است. مخاطبان این سازمان در طول زمان صلاح

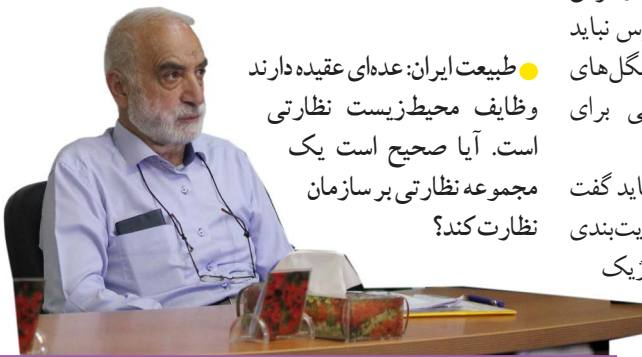
می‌دیدند که سازمان ضعیف باشد. در واقع در گذشته که خوانین و مالکین وجود داشتند همیشه تمایل داشتند که دستگاه متولی عرصه‌های منابع طبیعی دستگاه ضعیفی باشد تا آنها بتوانند هر کاری که می‌خواهند انجام دهند. بعدها با تغییرات به‌وجود آمده افرادی که تغییرات به نفعشان نبود نمی‌خواستند سازمان جنگل‌ها قوی باشد و جلوی اعمال قدرت آنها را بگیرد. بنابراین این دستگاه اجرایی به مرور زمان ضعیف شد. از طرفی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌هایی نیز وجود داشتند که نمی‌خواستند سازمان جنگل‌ها ارگانی قدرتمند باشد که به آن پاسخگو باشند. همچنین با افزایش جمعیت و مقاومت در برابر قانون‌گرایی از طرف مردم و سازمان‌های مرتبط، سازمان جنگل‌ها دیگر قوی نشد.

از طرفی دیگر، این سازمان در وزارتخانه‌ای واقع شد که با وظایف آن تعارض دارد. در برنامه سوم به دنبال ایجاد وزارتخانه منابع طبیعی بودیم و حتی زمانی بحث ادغام آن با محیط‌زیست مطرح بود ولی باید دید اگر این ادغام صورت می‌گرفت وضعیت بهتر می‌شد یا بدتر؟ البته با توجه به اینکه در این حال چون جایگاه منابع طبیعی قوی‌تر و تعداد پرسنل و کارشناس آن بیشتر از محیط‌زیست بود به نفع منابع طبیعی می‌توانست باشد. در این راستا یکی از قدرت‌های منابع طبیعی این بود که سازوکارهای منطقه‌ای و استانی خود را از دست نداد.

● **طبیعت ایران:** عده‌ای عقیده دارند وظایف محیط‌زیست نظارتی است. آیا صحیح است یک مجموعه نظارتی بر سازمان نظارت کند؟

■ **دکتر شامخی:** وظایف سازمان محیط‌زیست نظارتی است که بر کل سازمان‌ها اشراف داشته باشد ولی به هر حال با این ادغام وضعیت منابع طبیعی بهتر از امروز می‌شد.

همین محیط‌زیست با وظایف نظارتی می‌تواند وزارتی باشد زیر نظر قوه مقننه و دغدغه اصلی ما می‌توانست حل و فصل مسایل جنگل و منابع طبیعی باشد.





● طبیعت ایران:

در میان بحث‌های سیاست، استراتژی و منابع طبیعی موضوعات دیگری مطرح است، یکی از این بحث‌ها موضوع استراحت جنگل است. نظر شما درباره این رویکرد حفاظتی چیست؟ آیا باید جنگل‌ها را حفاظتی اعلام کرده و کلاً از بهره‌برداری صرف نظر کنیم؟

■ دکتر شامخی: به‌طور کلی من با همه این عوامل مخالفم و این مسایل را سازوکارهای اشتباهی می‌بینم که با این فعالیت‌ها وضعیت مدیریت جنگل‌های ما بهتر نخواهد شد.

از سال ۱۳۳۸ که طرح‌های جنگل‌داری وجود داشت یعنی حدود ۵۸ سال پیش، برای حفاظت از جنگل‌ها و اجرای طرح‌ها قوانین، مصوبه‌ها و دستورالعمل‌هایی وجود داشت. در این چهارچوب تجربه‌های مدیریتی نیز بارز بود. طرح‌های جنگل‌داری باید طبق قوانینی اجرا شوند که بهره‌برداری سالانه به اندازه رویش یا کمتر از آن باشد و در این راستا ابزارهای مدیریتی در اختیار سازمان جنگل‌ها بود.

ما وقتی ابزار علمی را داریم بنابراین طبق این ابزار می‌توانیم بهره‌برداری کنیم، در غیر این صورت نمی‌توانیم. چرا باید درخت شکسته و بادافتاده که از نظر اکولوژیک با ارزش است حذف شود. این یک عقب‌گرد در زمینه منابع طبیعی است که اگر آن را بپذیریم تمام داشته‌ها و داده‌های علمی خود را کنار گذاشته و توان مدیریتی خود را از بین برده‌ایم. در برخی منابع از بهره‌بردارها به‌عنوان افرادی که جنگل را غارت

می‌کنند یاد شده است در صورتی که نباید تجاری را که حاصل ۶۰ سال اندوخته ما در زمینه مدیریت منابع طبیعی است غلط بدانیم.

ما تمام ابزارها را برای مدیریت مناسب داریم که اگر اعمال نشود به عقب برمی‌گردیم. مدیریتی که نتوانسته با این ابزارها جنگل‌ها را ساماندهی کند اگر قرار باشد استراحت جنگل را مدیریت کند وضعیتی بدتر از این به وجود خواهد آمد. این ضعف مدیریت است که نمی‌تواند ایرادات طرح‌های جنگل‌داری را با وجود متخصصان منابع طبیعی برطرف کند.

متأسفانه بسیاری از دوستان در پایتخت فکر می‌کنند استراحت جنگل مانند پرونده‌ای است که روی میز قرار دارد و با این کار می‌توان آن را بایگانی کرد. در صورتی که دو میلیون هکتار جنگل شمال نوار باریکی است که در حوضه‌های آبخیز جنگلی آن ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر زندگی می‌کنند. ۳/۵ میلیون واحد دامی و چند هزار آبادی که دارای نیاز سوختی هستند نیز باید از جنگل‌ها بهره‌برداری کنند. علاوه بر افراد داخل جنگل این نوار باریک از بالا توسط فعالیت‌های دامداری و از پایین توسط هجوم دشت‌ها و شهرهای ساحلی گیلان و مازندران احاطه شده است. از طرفی چیزی حدود ۱۰ هزار کیلومتر جاده جنگلی و ۲ هزار کیلومتر جاده ارتباطی نیز در این نوار وجود دارد. در چنین وضعیتی سال‌هاست که روی یک میلیون هکتار مدیریتی اعمال نشده و تنها یک میلیون هکتار دارای شبکه مدیریتی است.

در واقع اجرای طرح استراحت قرار است توسط سازمانی (سازمان جنگل‌ها) اجرا شود که نه می‌تواند بودجه لازم را تأمین کرده و نه سازوکارهای مدیریتی را تضمین کند. این موضوع بیانگر بدتر شدن وضعیت جنگل‌های ما در آینده است. بنابراین بنده موافق وضعیت موجود در جنگل‌ها نیستم. مدیریت مشارکتی در جنگل‌های شمال می‌توانست اجرا شود و اداره جنگلبانی هم آن را رشد و ارتقا دهد. با ساختار مشارکتی بهتر می‌توانستیم طرح‌هایمان را اجرا کنیم و آن را به شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ بسپاریم که انتظار داشتند سود سرمایه بیشتری داشته باشند. یکی از مسئولان سازمان جنگل‌ها در دهه ۱۳۶۰ می‌خواست اکثر جنگل‌های شمال یا حداقل نیمی از آن را به جنگل‌های سوزنی‌برگ تبدیل کند یا بهره‌برداری‌های ۳ یا ۴ مترمکعب در هکتار را کم می‌دانستند. همه این موارد به ضعف مدیریتی مربوط می‌شود که در یک محدوده ۲ میلیون هکتاری نتوانستیم وجود دام یا بهره‌برداری در جنگل را مدیریت کنیم. به‌جای اینکه به‌دنبال راه حل باشیم صورت مسئله را پاک کردیم.

● طبیعت ایران: به‌عنوان آخرین مبحث اگر قرار باشد خود شما مطالبی را مطرح کنید در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید؟

■ دکتر شامخی: من علاقمند به صحبت در مورد بحث مشارکت و ارتباط با جهان هستم. به نظر می‌رسد ما باید با دنیا به‌ویژه در زمینه جنگل و منابع طبیعی ارتباط بیشتری داشته باشیم. متأسفانه بدنه کارشناسی ما احساس مسئولیت حرفه‌ای لازم را ندارد.

